

صنیع لفظ و بدیع در آثار پارسی حضرت عبدالبهاء

دکتر شاپور راسخ

جناب دکتر شاپور راسخ پس از گذراندن گواهی نامه های دکترای ادبیات فارسی در طهران، علوم اجتماعی روی آوردند و بعد از احراز لیسانس اقتصاد و فوق لیسانس در دانشگاه ژنو (سویس)، دکترای خود را در رشته جامعه شناسی بی پایان رسانیدند. ایشان سالهای استاد دانشگاه طهران بودند و افتخار عضویت محافل روحانی ملی ایران و سویس را جمعاً در حدود ده سال احراز نمودند. در حال حاضر در سمت مشاور با یونسکو همکاری میکنند و در کتاب در زمینه تعلیم و تربیت برای این سازمان بین المللی تألیف نموده اند. از دو سال قبل عضو هیئت مشاورین قاره اروپا میباشند. ایشان مقالات و اشعار متعددی برشته تحریر و نظم کشیده اند که در مجلات "آهنگ بدیع" و "عندلیب" و "پیام بهائی" و "سخن" و "نگین" درج شده است.

یاران ارجمند و گرامی، بر خاطر شما عزیزان، کمال و عظمت آثار حضرت عبدالبهاء جل ثنائه پوشیده نبوده و نیست. این آثار گرانقدر را بدریائی پهناور، ژرف و پرجوش و خروش می توان تشبیه کرد که خوض و غور در آن از شناوران کارآزموده بر نمی آید تا چه رسد به خشکی نشستگان افتاده و خامان ره نرفته، اما غرض از عرایض امروزتها فتح باب یا راه جوئی برای مطالعات و تحقیقات محققان و پژوهندگان آینده است ورنه هرگز جسارت اقدام و مبادرت بآن را نمی کردم "من چه گویم یک رگم هشیار نیست". آثار حضرت عبدالبهاء بواقع گلستانی وسیع و بوستانی جمیل است که هرگز در آن بقصد تمشی و تماشا رود تا شاید دامنی از گل هدیه اصحاب آورد بوی گلش چنان مست کند که بی گمان دامنش از دست رود و این سخن بر راستی وصف حال این بنده ناتوان است. شاید بهتر است بجای مقدمه، بیانی از نفس مقدس حضرت عبدالبهاء جل شانه را که شفاهاً از جناب ابوالقاسم افغان شنیدم سر لوحه این گفتار قرار دهم که مصداق حقیقی آن، خود آثار مکتوب آن حضرت است: "شیراز جناب فضل الله خان (بنان) هو الابهی احبای الهی باید در تحاریر ایجاز کنند و در معانی اعجاز- و البهاء عليك ع ع .

موضوع سخن این بنده صنایع بدیعی اعم از لفظی و معنوی در آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء است. ناچار در آغاز سخن باید معنی و مفهوم این صنایع و علم یا فن بدیع را روشن کرد و البته در این مورد رعایت حداکثر اختصار را باید نمود.

یکی از اجزاء یا اقسام علم ادب، علم بدیع است که از فنون آرایش سخن اعم از نظم و نثر بعد از احراز فصاحت و بلاغت در آن گفتگو می‌کند. گویند که تدوین و تألیف این جزء از علم ادب، مدیون عبدالله بن معتر عباسی است که در سال ۲۷۴ هجری کتابی در آن باب تألیف کرد و هفده نوع صنایع بدیعی را در آن ذکر کرد (۱) دیگر مشاهیر محققان علم بدیع قدامه بن جعفر - ابوهلال عسگری - ابن رشیق قیروانی - ابن ابی الاصبع - صفی الدین حلی - عز الدین موصلی - ابن حجة حموی و امین الدین علی سلیمانی بوده اند که شماره صنایع مورد مطالعه را بحدود یکصد و پنجاه و اندی رسانند و در عرصه ادب فارسی نیز باید از محمد بن عمر راد و یانی مؤلف ترجمان البلاغه و رشید الدین وطواط نویسنده حدائق السحر فی دقائق الشعر و شمس الدین محمد بن قیس رازی نگارنده المعجم فی معاییر اشعار العجم و نظائر ایشان یاد کرد که آثارشان هنوز محل مراجعه و اعتنای پژوهندگان در این رشته است. ناگفته نماند که از خصوصیات شعر فارسی از آغاز تا با امروز اشتمال آن بر صنایع بدیعی بوده و برخی از شعرا حتی در پی آن بوده اند که انواع صنایع بدیع را در شعر خود بکار گیرند (این را اصطلاحاً بدیعیات گویند) (۲) و در این راه گاهی بحد تکلف و تصنع رسیده اند.

اما در مورد نثر فارسی باید یاد آور شد که تا عصر مغول در مجموع ساده و روان و عاری از تکلفات و عبارات پردازی ها بود و حشو و زوائد و تزیینات ثقیل لفظی در آن کمتر دیده میشد و در عین حال از فصاحت و بلاغت و پختگی و آزمودگی برخوردار بود معذک از همان اواخر دوره سلجوقی انشاء مطنطن و مزین آغاز شد و کار تکلف پیش از پیش بالا گرفت و بدان جا رسید که بقول یکی از محققان "رخساره سخن زیر انبوهی از آرایش غلیظ، مجروح و بی رونق گشت و از همین بابت بود که در دوره های بعد خصوصاً از عصر قاجاریه و عمده دوران مشروطیت ببعد نهضت ساده نویسی و ترک عبارات پردازی های بیهوده و میالغه ها و تشبیهات غیر طبیعی و پیچیده بوجود آمد و تدریجاً قوت گرفت تا بدان جا که عده ای با جمله بندی تازی منش و استعمال کلمات زیاد عربی بمخالفت برخاستند و حتی برخی دورتر رفتند و بکار برد جمله های فارسی خالص و لغات اصیل و ساختگی غیر عربی حصر نظر کردند (۳).

۱ - صناعات ادبی تألیف جلال الدین همائی - ص ۱۶ - ۱۹

۲ - سیری در شعر فارسی - تألیف دکتر عبدالحسین زرین کوب - ۱۹۲ - ۱۹۴

۳ - رجوع شود به کتب تاریخ ادبی فارسی شامل آثار دکتر رضا زاده شفق - جلال همائی - بدیع الزمان فروزانفر - ملك الشعراء بهار - دکتر ذبیح الله صفا - دکتر حسین خطیبی و دیگران و در السنه غربی - آثار براون - ریپکاو و نظائر آنان.

آثار حضرت عبدالبهاء در زمانی بفراسی زبانان و دیگران عرضه می شود که نثر فارسی دوران دشوار بحران انتقالی را می گذراند و در عین حال که بعضی از نویسندگان در کار برد لغات فارسی خالص اصرار دارند عده ای از علما و حکما هنوز به زبان عربی می نویسند و در نزد عامه نیز ورود کلمات جدید عربی و ترکی و احیاناً اصطلاحات فرنگی زبان فارسی را دچار نوعی هرج و مرج و اغتشاش می کند. در جنب نثر ساده و روشن که با پیدائی و رواج روزنامه نگاری و ترجمه آثار غربی بیش از پیش رونق می گیرد نثر مغلق و پیچیده هم از اعتبار نیفتاده است و در میان این دو گروه آثار نویسندگان پرمایه ای که میان سادگی و آراستگی حد اعتدال نگه می دارند چون قائم مقام فراهانی همچون آفتاب می درخشند(۴).

ناگفته نماند که این میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی هم مورد عنایت حضرت بهاء الله بوده که با لقب امیر مدینه تدبیر و انشاء مرحمت فرمودند و هم محل توجه حضرت عبدالبهاء قرار داشته و چنان که از اعقاب آن مرحوم شنیدیم عکسش را هیکل مبارک در اطاق خود نصب فرموده بودند و کلام آن حضرت نیز بر همان طریقه اعتدال که شاخص منشآت قائم مقام بوده اتکاء داشته است.(۵)

چون منظوران این مقدمه تنها آشنائی اجمالی با سابقه تحول نثر فارسی تا عصر مبارک بود تفصیل کلام در این مورد جائز نیست اما ذکر این نکته مفید است که آثار حضرت عبدالبهاء قویاً بر میراث غنی ادب فارسی تکیه دارد و هر چند نثر ساده و مرسل در مجموع تحریرات و افاضات آن حضرت کمیاب نیست اما در بیشتر موارد تمایل وجود مبارکش به نثر آراسته و بهره مند از صنایع ادبی بوده است اما روشن است که هرگز در این مورد زیاده روی و افراطی دیده نمی شود و معنی را در هیچ مقام فدای لفظ و کلام نمی فرمایند. حضرت عبدالبهاء خود در تعیین سبک مطلوب سخن چنین فرموده اند:

صهبای حقائق و معانی در هر کاس گوارا، خواه جام زرین باشد خواه کاسه گلین ولی البته جام بلور و مرصع لطیف تر است.

و در موضع دیگر آن جا که عریضه مفصلی مشحون از عبارت پردازی بیهوده بنظر مبارک میرسد و هیکل اقدس با حالت ملال و کسالت آن را می خوانند بعد می فرمایند:

ببینید که ورق باین بزرگی را بخطر ریزه سیاه کردند و من با این حسالت

۴ - رجوع شود به از صبا تا نیما تألیف یحیی آریانپور-ج-۱-ص ۶۵.

۵ - در لوحی از حضرت عبدالبهاء خطاب به میرزا آقا قائم مقامی از نیای بزرگوار ایشان یاد کرده میفرمایند(محملاً در سنه ۱۳۳۹ ه.ق): "فی الحقیقه سراج آن بزرگوار را مشعله نمودی و کشتزار آن مقرب برگاه کهریا را مانند باران نیسانی تر و تازه فرمودی عبدالبهاء بی نهایت مسرور است که در گلستان آمال امیر مدینه تدبیر و انشاء چنین گلی صد برگ و خندان و خوشبو و خوشرنگ و تازه و تر شکفته گردید."

خوانده ام می بینم از اول تا آخر يك مطلب ندارد. تحریر و انشاء باید محض ادای مطالب و اظهار مقاصد باشد نه صرف تعارفات و ترتیب عبارات (بدایع الآثار - ۲ - ۳۶۴)

در سفر نامه جلد اول جناب محمود زرقانی بنقل قول از هیکل مبارک چنین ضبط کرده است:

فرمودند بیان باید بمشرب حضار و اقتضای وقت باشد، حسن عبارات و اعتدال در ادای معانی و کلمات لازم، فقط حرف زدن نیست. توجه شنوندگان عزیز را باین مطلب معطوف می کنم که در همین بیان کوتاه حضرت مولی الوری همه شرائط بلاغت و فصاحت و زیبایی کلام را آورده اند و "حق همین است سخندانی ودانائی را".

مقام ادبی حضرت عبدالبهاء

از غرائب امور آن است که تقریباً همه محققان تاریخ ادب فارسی که درباره آثار منثور و منظوم قرن نوزدهم و قرن بیستم سخن گفته اند - باستثنای ادوارد براون که در جلد چهارم تاریخ ادبی ایران صفحاتی را باآثار بابی - بهائی اختصاص داده - اهمیت ادبی آثار بهائی و منجمله آثار حضرت عبدالبهاء را مسکوت نهاده اند و حتی یان ریپکادر تاریخ ادبیات ایران (ترجمه انگلیسی ۱۹۶۸) اشاره ای باین امر نمی کند در حالی که بی گمان آثار جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء باب جدیدی را در ادب فارسی می گشاید و چنانکه بجای خود معلوم خواهیم داشت آثار مرکز عهد و میثاق غنای لفظ، تنوع و علو معانی، فصاحت و بلاغت، آراستگی و زیبایی و در عین حال خوش آهنگی و موزونی را بحد کمال می رساند و در بسیار موارد از مرز ادب ساده فراتر میرود و یا چون نقاش ماهر تصویر سازی میکند و یا چون اصحاب موسیقی، نثر را به حد شعر آهنگ می بخشد. کلام آن حضرت در عین انسجام و استحکام عذب و سلیس است و بدل می نشیند و شور می انگیزد. شماره آثار و الواح آن حضرت بی گمان از پانزده هزار متجاوز است واکثر این آثار در شرائط و احوالی صادر شده که یا آفات و بلیات از جمیع جهات بر هیکل اقدسش محیط و مستولی بوده و یا حضرتش در آن واحد پاسخ چند نامه رابه چند منشی تقریر می فرموده اند. (۶)

در این مورد خود حضرت عبدالبهاء در لوحی فرموده اند (مکاتیب ۵ - ص ۱۵۵) "ای ناظر بملکوت ابهی اگر در این ساعت دراین انجمن حاضر بودی و در این محفل ناظر مشاهده می نمودی که هر يك از حاضرین بذکری و فکری مشغول و من مشغول بیاد تو هستم و خامه گرفته بنگارش پرداختم روح و قلب مشغول بذکر یاران است و قلم بنام دوستان رقم زن و لسان بتکلم با حاضرین مشغول... از نادر کسانی که درباره سخن حضرت عبدالبهاء بلسان عربی اظهار نظر

۶ - رجوع شود به خاطرات ۹ ساله دکتر یونس افروخته - طبع آمریکا - ۱۹۸۳ زیر عنوان

ترتیب نزول آیات ص ۲۶۲ - ۲۵۶.

کرده اند شکیب ارسلان است که بخشی از ترجمه سخن او ذیلاً آورده می شود. این نویسنده مشهور مسلمان که بوصف امیر البیان و مجاهد کبیر موصوف بوده در ستایش آن حضرت می گوید:

سرعت خاطر و منطق محکم قوی و وسعت علم و وفور حکمت و دانش وی انسان را متحیر و منداهش می ساخت بلاغت عبارات و فصاحت کلمات وی در درجه اعلی بود بیانات عبدالبهاء همیشه دارای حقیقت و راهنمای طریق صواب و گفتارش پیوسته فصل الخطاب بود. مکاتیب و نوشته هایش مانند قطعات مزین بجواهر نفیسه و مطرین بطراز گوهرهای پر قیمت چشم ظاهر و دیده قلب را روشن می نمود. فیض بیاناتش دارای کلمات جامعه پر معنی و حکمت و ابر آسمان دانش و علم وی مانند سیل خروشان همیشه در جریان و ریزش بود. (رجوع شود به حیات حضرت عبدالبهاء و حوادث دوره میثاق - تألیف محمد علی فیضی طبع آلمان - ۱۴۳ بدیع - ص ۳۶۸ - ۳۷۴). در پایان همین مقاله است که شکیب ارسلان شاهدهی بر قدرت علمی و ادبی و تصرف و اقتدار حضرت عبدالبهاء در لغت عرب با وجود این که زبان اصلی و مادری ایشان نبود آورده است. (۷)

در کتاب خاطرات حبیب (از دکتر حبیب مؤید - ج ۲ ص ۲۸۴) چنین آمده است: آقا میرزا علی اکبر عرض کردند حاجی صدر مرحوم علت تصدیق خودشان را برای ما (باین شرح) می گفتند. می فرمودند: در مجلسی با نیر و سینا صحبت شد از عهده بر نیامدند تا اینکه لوح خراسان تلاوت شد آیا نفعات الله... (الی آخره) من در این لوح این آیه قرآن را شنیدم: جند هنالك مهزوم من الاحزاب. و این آیه مبارکه را می دانستم که از آیات فصیح قرآن است و در این لوح من هر چه میخواستم آیه ای غیر فصیح پیدا کنم دیدم این آیه قرآن است و این سبب ایمان من شد. حاجی صدر همان نفس مقدسی است که به لقب صدر الصدور مخاطب شد و بعنوان اولین معلم درس تبلیغ مورد ستایش قرار گرفت.

دانشمند و متفکر بنام مصری شیخ محمد عبده مقاله ای درباره ظهور باب در جریده الاهرام نگاشته (۸) که در آن راجع به حضرت عبدالبهاء چنین اظهار نظر شده است:

وحضرة ولده الاکبر عباس افندی اشهر من ان یعرف بفضله و ینبّه عن نبله و هو المعروف عند اعیان البلاد و اولیاء الامور و قد عرفناه رجلاً ظاهراً النجابه بادی السراوه، فصیح اللهجه، مهیب الطلعه، کثیر الوقار و الحشمه، ذا ادب فی غایة الغضاضه و خلق علی جانب عظیم من الریاضه انتهى که در این بیان هم بفصاحت کلام حضرت عبدالبهاء شهادت داده شده است.

خطاباتی که در رئای حضرت عبدالبهاء از جانب علما و فضیای عرب ایراد شد نیز بر احترام و تکریم آنان در قبال فصاحت و بلاغت سخن آن حضرت دلالت

۷ - رجوع شود به کتاب حاضر العالم الاسلامی - ج ۲ - ص ۲۷۴ - ۲۷۵ طبع قاهره ۱۳۴۳ هجری.

۸ - رجوع شود به عبدالبهاء و البهائیه - قاهره - سنه ۱۹۲۲ - ج ۲ - ۱۲۲.

می کند از جمله یوسف الخطیب که گفت: ان الذی ینتقل الی دارالبقاء لایبکی علیه فابکوا علی الفضل و الادب، اندبوا العلم و الکریم، ابکو الاجل انفسکم لانکم انتم الفاقدون. در همین خطابه است که گفته شد با صعود حضرت عبدالبهاء لسان حر* طلق فصیح ساکت و صامت شد. (۹) استاد عبدالله افندی که فریاد برآورد که با ارتحال آن حضرت آفتاب دانش غروب کرد و جهان از وجود نفسی که تشنگان علم را بچشمه سار پاکیزه و بوستان خرم وارد کند تهی گشت و محافل و مناظر و محل های خطابه و جایگاه علما و احبار خالی شد. آن چه موجب تأسف است آن که هیچ یک از فضلاء بعمق مطلب نرفته و علل شیوانی و رسانی و زیبایی کلام عربی و فارسی حضرت عبدالبهاء را تحلیل و تفصیل نکرده است و جز یک مقاله که در جلد پانزدهم عالم بهائی آمده (۱۰) حتی به طبقه بندی آثار حضرتش نپرداخته اند تا چه رسد به بیان خصوصیات سبک و شیوه هر طبقه از این آثار، لذا باید اذعان کرد که این زمینه تحقیق هنوز ناهموار است و این مقاله را که فقط شمیمی تند گذر از گلزار صنایع لفظی و معنوی در آثار آن حضرت است باید بعنوان راه گشای مقدماتی تلقی کرد و ادای حق مطلب را باید به پژوهشگران آینده محول نمود.

کثرت و تنوع خارق العاده آثار حضرت عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء از حدود سن ۱۹ سالگی که در آن تفسیر حدیث قدسی کُنْتُ کَنْزاً مَخْفِیاً را مرقوم فرمودند تا پایان عمر (۱۸۴۴ - ۱۹۲۱) هرگز از تحریر و تقریر باز نایستادند یعنی حدود پنجاه و هشت سال آثار گهر بار از قلم آن حضرت صادر گشت که نه فقط عرصه های دینی، عرفانی، اخلاقی و فلسفی را می پوشاند بلکه مشتمل بر فوائد عمده در زمینه های علمی - اجتماعی - تاریخی - ادبی و نظائر آن نیز هست. جناب امین بنانی ۱۲ دسته آثار در مجموع آن چه از حضرتش بعالم بشریت اهداء شده است تشخیص کرده اند:

اول - مکاتیب خطاب باشخاص و نفوس که قسمت اعظم آثار آن حضرت را تشکیل میدهد که بحقیقت آن ها را شاهکار فن ترسل فارسی میتوان تلقی کرد. از این نامه ها هشت جلد مجموعه مکاتیب و دو جلد منتخبات تاکنون منتشر شده و بسیار کتب محتوی برگزیده آثار الهیه هم (۱۱) شامل جزء یا کل

* زبان آزاد روان پرفصاحت

۹ - رجوع شود بهمان کتاب عبدالبهاء و البهائیه - ص ۱۴۱ ببعد ترجمه آن تحت اللفظ در جزء الثانی من الکواکب الدریه - ص ۳۱۰ آمده.

۱۰ - از دکتر امین بنانی زیر عنوان "نوشته های عبدالبهاء" مجلد ۱۹۷۳ - ۱۹۶۸ عالم بهائی.

۱۱ - چون امر و خلاق در ۴ جلد - ماده آسمانی مجلدات ۲ - ۵ - ۹ - پیام ملکوت و نظائر آن که دانشمندان ارجمند بهائی چون فاضل مازندرانی و اشراق خاوری جمع آوری کرده اند.

متن برخی از این نامه هاست.

دوم - الواح دارای مطلب خاص مهم که بعضی نفوس چون پرفسور فورل خطاب شده (۱۹۲۱) و از جهت مضمون و محتوی دارای اهمیت است.

سوم - الواح خطاب بجوامع بهائی که از جمله اهم آنها که بعنوان یرلیغ بلیغ تبلیغ خوانده شده الواح چهارده گانه فرامین ملکوتی است (۱۷ - ۱۹۱۶)
چهارم - برخی از مکاتیب آن حضرت بانجمن ها یا مؤسسات فرستاده شده که در آن میان میتوان از لوح لاهه خطاب به سازمان مرکزی مروج صلح پایدار نام برد (۱۹۱۹).

پنجم - الواح وصایای حضرت عبدالبهاء (۷ - ۱۹۰۶) که در نزد اهل بهاء بجهت وضع و تحکیم بنیاد میثاق الهی و تضمین بر منشور نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء الله حائز مقامی ممتاز است.

ششم - مناجات ها و ادعیه که جمیع حالات بشری را در ارتباط با معبود الهی منظور نظر دارد و به سه زبان فارسی - عربی و ندرتاً ترکی صادر شده و در مجموعه های مناجات و انکار المقربین (ج ۲) و غیر آن گرد آمده است.

هفتم - مناجاتهایی که برای مواقع و موارد خاص چون تشکیل جلسه محفل روحانی یا آغاز سفر تبلیغی و بقصد طلب تأییدات الهی تحریر شده (در مائده آسمانی جلد ۹ نمونه هائی از این مناجاتهای اختصاصی هست).

هشتم - زیارتنامه ها که اکثراً بلسان عربی که از جهت وسعت و دامنه لغات و فصاحت بیان ممتاز است صدور یافته و باعزاز و افتخار خادمان و شهیدان و دیگر قهرمانان تاریخ امر است.

نهم - اشعار حضرت عبدالبهاء که هر چند بعدد محدود است و بیشتر از نوع مثنوی است اما ذکر آن در زمره طبقات آثار مبارکه ضرور است خصوصاً که بعد چنانکه بجای خود خواهد آمد ملاحظه خواهیم کرد که در برخی موارد کلام منشور حضرتش با چنان موسیقی توأم است که گاه مرز شعر و نثر ناپیدا می شود و کلام موزون متدرجاً در قالب شعر باوج شورانگیزی میرسد. شک نیست که حضرت عبدالبهاء به آثار منظوم عارفان بزرگ خصوصاً مولانا جلال الدین رومی توجهی خاص داشته و نه فقط در نظم بلکه در نثر خود گاه کلمات و عبارات و اصطلاحات مخصوص آنان را پذیرا شده اند.

دهم - کتاب ها و رسالات حضرت عبدالبهاء که حقاً باید خود به چند دسته تقسیم شود چون تاریخی - اجتماعی - سیاسی که اهم آنها رساله مدنیّه (۱۸۷۵)، رساله سیاسیّه (۱۸۹۳ یا ۱۳۱۱ ه. ق.)، مقاله شخص سیاح (حدود ۱۸۸۶ یا حدود ۱۳۰۳ ق) و تذکره الوفاء (۱۹۱۵) شامل شرح احوال حدود هفتاد تن از خدام امر الهی با تأکید بر صفات و ملکات اخلاقی و روحانی آنان است.

یازدهم - نطق ها و خطابات حضرت عبدالبهاء است که در مجامع عمومی ایراد شده و چنانکه می دانیم از این نطق ها و خطابات سه مجموعه بزبان فارسی گرد آوری و نشر شده است و سبک و لحن دلپذیر و فصیح و بلیغ این خطابات و نطق ها خود در خور تحقیق جداگانه ای است که خوشبختانه بعضی از دوستان

بدین زمینه توجهی نموده و مقالاتی نگاشته اند. (۱۲)

دوازدهم - افاضات خصوصی و حضوری حضرت عبدالبهاء چون "مفاوضات مبارکه" که در مسائل دینی، فلسفی، علمی در پاسخ لورا کلیفورد بارنی (بعداً خانم دریفوس) در آغاز این قرن افاضه شد و بعداً در سنه ۱۹۰۸ بزبانهای فارسی و انگلیسی بطبع رسید. جناب امین بنانی تذکرة الوفاء را هم در همین ردیف افاضات شفاهی قرار داده اند. بخش هایی از کتاب بدایع الآثار (دو جلد - سفرنامه حضرت عبدالبهاء با اروپا و امریکا) و یادداشتهای مجاورین یا مسافرین و زائرین چون دکتر یونس افروخته - دکتر حبیب مؤید - دکتر ضیاء بغدادی - بدیع بشروئی و دیگران را هم در همین گروه میتوان جای داد. کثرت صدور آثار از قلم مبارک چنان بوده که تقریباً خانواده ای بهائی در ایران آن زمان نمی توان یافت که بوصول مکتوبی از مولای محبوب موفق و متباهی نکرده باشد. اهتمام آن حضرت بر تحریر آن مکتوبهای عالی و احیاء و ارشاد جامعه بهائی در سی و چند مملکت عالم باندازه ای بود که گاه انگشتان مبارک از حرکت باز می ماند. در لوحی خطاب باقا میرزا مهدی یزدی در عشق آباد در این مقوله چنین میفرمایند:

روز تمام شد و آفتاب دم غروب است و خامهء عبدالبهاء از بامداد تا بحال در رکوع و سجود. حال دیگر جواب میدهد و قسم میخورد که اگر اسب تازی بودم و یا سمند ترکمنی حال از پا افتاده بودم و سر از سجود بر نمی داشتم. من میگویم ای خامه، این جناب آقا میرزا مهدی یزدی است و خاطرش نزد عبدالبهاء بسیار عزیز است از خدا بترس، فتور میار، سربسپار، این ورق را رشک باغ ارم کن، بیان اشتیاق کن، رسم محبت آشکار نما، قدری تحریر کن، اندکی تقریر نما، آنوقت هر چه میخواهی بکن و الا بضرب تازیانه چنان ترا جولان دهم که تا دم صبح ترکتازی کنی و گوشت و استخوان نذر جانبازی نمائی! قلم چون سطوت خطاب را شنید با حال شکسته و خسته و بی تابی در تکاپو آمد و تا آخر ورق جولان نمود. این است سرگذشت عبدالبهاء دم غروب آفتاب از افق دنیا ع .

و در لوحی دیگر خطاب بجناب اسد آمده است: "بجان یاران قسم که وقت گفتن و خفتن و نگاشتن ندارم و این دو کلمه را مانند تنقل مینگارم زیرا مشغول کارم و سنگین بارم تو میدانی و از مختصر مفصل میخوانی صحت حاصل، راحت زائل، شب میدان خطاب است، روز انهمکاک در جواب است، صبح غلغله است، شام ولوله است، ظهر دمدمه است، نیمه شب زمزمه است، وقت سحر هممه است، دیگر ملاحظه کن که چه خبر است ع . (مکاتیب ۸ - ۲۱۱)

نکته ای که در این جا ذکرش را ضرور میدانم فروتنی فوق العاده و در حد محویت حضرت عبدالبهاء است که با این همه افاضات هرگز دامن خاکسبازی و عبودیت حقیقی را رها نفرمودند. در مانده آسمانی جلد ۲ ص ۴۰ چنین

۱۲ - رجوع شود از جمله به پیام بهائی - شماره مخصوص ۹ - ۱۰۸ مقاله ع - ص "غبار".

فرموده اند:

نوشته‌جات این عبد را با الواح مقدسه مبارکه در يك كتاب جمع نمودن
جائزه - الواح رحمانیه با هیچ آثاری جمعش جائزه
و در مقامی دیگر (مانده آسمانی جلد ۹ - ص ۱۰۴) چنین آورده اند:
من تراب عبودیت بر سر خویش بیزم و لکن شعرا تاج عظمت بر سر من
نهند من حلاوت شهد عبودیت می چشم و آنان شربت تلخ فحامت و مهابت و رفعت
بکام‌ریزند.

تنوع معانی و مضامین

آن چه بر نگارنده این سطور محرز و مسلم است آن است که حتی دعوی
احصاء و فهرست برداری جمیع معانی و مضامین مندرج در آثار حضرت عبدالبهاء
جز گستاخی محض نمی تواند باشد زیرا این دریای ناپیدا کران هنوز کلا در
اختیار پژوهش محققان قرا نگرفته است و مسلم نیست که آن چه در عمق این بحر
ذخار جا دارد باسانی بتواند مطمح انظار و افکار قرار گیرد معذک بحکم آن که
گفته اند ما لا یدرک کله لایترک مکه در این عرصه کوششی می رود و جسارتی می
شود باین امید که آیندگان دست تفحص بگشایند و این نقصان را بکمال برسانند.
فهرستی که ذیلاً می آید رعایت ترتیب خاصی، منطقی یا غیرآن را نمی کند.

مضامین عمده در آثار مبارکه

- ۱- تبیین و توضیح و بسط تعالیم روحانی - انسانی و اجتماعی حضرت
بهاء الله.
- ۲- تشریح و تبیین قوانین و احکام این آئین نازنین.
- ۳- کشف اسرار و رموز کتب مقدسه قبل، از جمله قرآن و عهد عتیق و
عهد جدید.
- ۴- توضیح و تشریح اشارات و کنایات جمال اقدس ابهی.
- ۵- توضیح در مورد اصول نظم اداری حضرت بهاء الله شامل مشورت -
محل روحانی - مشرق الاذکار...
- ۶- مطالب مربوط به حکمت الهی چون حقیقت الوهیت - مقام انسان....
- ۷- مطالب مربوط بمرگ و حیات بعد از مرگ و بقای روح....
- ۸- مطالب بفرنج دینی چون قیامت - رجعت - سر تجدیدادیان...
- ۹- تعلیم و تربیت و اصول و فروع آن.
- ۱۰- امور اجتماعی - سیاست مدن.
- ۱۱- مطالب مربوط به ازدواج و زندگی زناشویی و روابط خانوادگی.
- ۱۲- ابراز لطف و عنایت - تشویق - دلجوئی و دلداری.
- ۱۳- تشجیع به خدمت - تشویق به تبلیغ.
- ۱۴- الواح نصحیه - تشویق به عمل خیر و کسب فضائل - بیان حیات

بهائی.

- ۱۵ - دعوت به اتحاد و تعاون و تعاضد.
- ۱۶ - دعوت به حیات روحانی و ملکوت الهی.
- ۱۷ - بهداشت و طب - بیماری و شفا - معالجات روحی - معالجه باغذیه.
- ۱۸ - مطالب علمی چون بحث نظریه داروین - رد بعضی نظرات شبه علمی چون علم تنجیم.
- ۱۹ - فرامین ملکوتی آن حضرت در نشر کلمه الله در سراسر جهان طبق نقشه معین.
- ۲۰ - ارائه نقشه کلی نظم بدیع جهان آرای الهی.
- ۲۱ - تشریح اوضاع کنونی عالم.
- ۲۲ - و پیش بینی آینده (جهان و ایران).
- ۲۳ - آثار عرفانی یا آثار مربوط به عرفان و تصوف.
- ۲۴ - برخی مطالب فلسفی مذکور در کتب قدما.
- ۲۵ - اطلاعات جغرافیائی (امکنه - بلاد - ابنیه).
- ۲۶ - مطالب تاریخی شامل تاریخ ادیان سابقه - تاریخ امر - خاطرات نفوس و وقایع.
- ۲۷ - اشعار و منظومه ها
- ۲۸ - مناجات ها و ادعیه عمومی و اختصاصی.
- ۲۹ - مزاح و مطایبه.
- ۳۰ - رد تهمت ها و اعتراضات معاندین و ناقضین.
- ۳۱ - تاکید در مورد عهد و میثاق.
- ۳۲ - پاسخ سوالات در مسائل و امور شخصی یا احياناً عمومی.
- ۳۳ - پاسخ در مورد علوم خفیه و اعتقادات عجیبه.
- ۳۴ - تعزیت و تسلیت و صدور زیارتنامه.
- ۳۵ - عنایت به زائرین کوی مقصود و بیان اهمیت زیارت و مقام زائر و ترغیب و تهییج بر خدمت درگاه احدیت.

تنوع سبک ها و اسالیب

آثار حضرت عبدالبهاء از لحاظ سبک و اسلوب بسیار متنوع است از نثر مرسل تا نثر مسجع، سبک ساده تا اسلوب آراسته، سخن نزدیک بفهم و درک عامه تا کلام مخصوص باهل اصطلاح و خواص، عبارات کوتاه تا جمله های مطول همه در آن دیده میشود و در مواردی نیز شیوه سخن حضرتش چنان است که کوی برای طبقات خاصی از معاصران نوشته شده و به لحن کلام همان طبقات مشابه است مانند رساله مدنیه که از جهاتی با اسناد و آثار دوران نزدیک با انقلاب مشروطیت در ایران قابل مقایسه و مطابقه است. قبلاً مذکور داشتیم که آثار آن حضرت همه از مقوله ترسل یا قابل قیاس بقطعات ادبی معروف بمقامات نیستند بلکه رساله های علمی - فلسفی - تاریخ نگاری - تذکره نویسی - بیان اصول مملکت داری و نظائر آن هم در این مجموعه وسیع فراوان بچشم میخورد و

خطابات یا افاضات شفاهی آن حضرت (نطق‌ها در اروپا و آمریکا - مفاوضات مبارکه...) خود لحن و طرزی دیگر دارد که روشنی - سادگی - مطابقت بامقتضای وقت و حال، کوتاهی عبارات و گاه تکرار آن برای تأکید و تفهیم بهتر، اعتدال در ادای معانی و کلمات، نظم منطقی فکر و بیان، استفاده از حوادث روز و مظاهر طبیعت یا غیر آن برای ایضاح مطلب و گریز و پرهیز از هر گونه لفاظی بیهوده و تهییج بی رویه از مختصات آن است. چون مکاتیب مبارکه یعنی مراسلات بنفوس، قسمت عمده آثار آن حضرت را تشکیل میدهد لذا توجه خود را در این مقاله بیشتر معطوف باین قسم میکنیم و بهمان وجه که قبلاً اشارت رفت صنایع بدیعی را که بمیزان معقول و معتدل در این مکاتیب آمده مورد بررسی خود قرار می‌دهیم و در مورد خصوصیات نثر ساده و مرسل در آثار حضرت عبدالبهاء فقط بخش کوچکی را عرضه می‌داریم:

نمونه صنایع لفظی در آثار حضرت عبدالبهاء

می‌دانیم که در علم بدیع، صنایع یعنی آنچه را مایه آراستگی سخن است بدو دسته تقسیم می‌کنند صنایع لفظی که تسجیع - ترصیع - تجنیس - تضمین - ترشیح یا موشح و مانند آن را در بر می‌گیرد.

صنایع معنوی از آرایش صورت می‌گذرد و به تزیین معنی توجه دارد و از آن مقوله است تشبیه - استعاره - کنایه - مراعات نظیر - تنسیق صفات - تمثیل - حسن مطلع و نظائر آن که تشریح آنها در عهده این مقاله نیست و باید در آن موارد به کتب تخصصی رجوع شود (۱۲).

الف - سجع متوازی در آثار مبارکه بسیار فراوان است مثلاً:

"خوشا بحال تو که نهال آن بوستانی. خوشا بحال تو که ستاره آسمانی."
یا "بوستان الهی را نخل باسق بود و افق محبت الله را نجم بارق" و یا "باید در این موسم ربیع و موقع بدیع ترقی سریع نمائید و با وجهی لمیع توجه به ساخت رب سمیع کنید.

ب - سجع مطرفاً، فی المثل: "محبت جمال الله رخى دارند چون مه تابان و وجود فرخى چون رحمت رحمن.

ج - سجع متوازن، چنان که فرموده اند: "خوشا بحال تو که شعاع آن نجم بازغی خوشا بحال تو که یادگار آن کوکب ساطعی."

د - موازنه یا ماثله: مثلاً در این عبارات: باید شعله انس شدید باشد و نورش پدید، شهابش ثابت گردد و سهامش نافذ"

و نیز در این عبارات: مهجور مشو و مخجول مباش و محبوب منشین"

ه - ترصیع که نوعی سجع متوازی است، چون: یا جورج تزلزل را سدی از

۱۲ - از جمله کتاب صناعات انبی - فن بدیع واقسام شعر فارسی از جلال الدین همائی - و بدیع و قافیه و عروض که در مدارس متوسطه تدریس می‌شود از مؤلفان متعدد و کتب قدما که برخی مؤلفان آنها اشارات رفت.

زیر حدیدند و مأجورج تبلبل را حاطلی چون رکن شدید، گردباد افتتان را حاجبند و تند باد امتحان را حاجز

و نیز این عبارات: "این نعمتی است شایگان و رحمتی است جاودان"
"بدایت فاتحة الالطاف گردد و نهایت خاتمة الاسعاف"
چون تماشا شایان بساحت گلزار گذرند و بر طلعت ازهار نگرند مشامی
معطر یابند و دماغی معنبر

و - جناس، چون کاربرد کلمات پیمان و پیمانہ، دست و دوست: "پیمانہ پیمان بدست گیر و از خمخانه عهد الهی دوستان را سرمست کن"
یا "جناس کلمات تالان - تالاج و تاج در این عبارات: "این شخص نورانی بلای ناگهانی را کامرانی شمرد و تالان و تالاج را تاج جهان بینی انگاشت"
جناس خود انواع متعدد دارد از تام و ناقص گرفته تا زائد و مرکب و مطرف و خطی و لفظی که ما علی العجالة بیکی دو نمونه آن اکتفا کردیم. (برای تفصیل رجوع شود به ضمیمه شماره (۸) این گفتار).

ز - اشتقاق یا اقتضاب، مانند ناصر و منصور در این عبارات: "ای روحانی - انشاء الله منصور و مؤیدی و موفق در عبودیت آستان مقدس، بنده شاطری و بیچارگان را معین و ناصر و یا از جبین منیرشان نور مبین مشاهده کنی"

ح - صنعت قلب یا مقلوب مثلاً: "عجز وزاری کنیم و جزع و بیقراری نمایم."

چون سخن بر سر صنایع لفظی است باید به هنر دیگری نیز اشارت کرد و آن کاربرد مترادفات است در آثار مبارکه برای خوش آهنگ و متوازن کردن کلام و افزودن عذوبت و حلاوت آن و در عین حال تأکید مطلب که امثله آن فراوان است چنانکه در موضعی فرموده اند پس بوجدان شادمانی نما که مظهر الطافی و مهبط اعطاف و اسعاف. از هر جهت موفق و بهر امری مؤید. در لوح معروف ای متوجه الی الله مذکور: "آن چه خواهی از او خواه و آن چه طلبی از او طلب."

نمونه صنایع معنوی در آثار مبارکه

الف - تشبیه در سخن حضرت عبدالبهاء مقام و منزلتی خاص دارد خود حضرت عبدالبهاء در مفروضات مبارکه فرموده اند که معانی لطیفه عالیه را باید در قوالب محسوس افراغ نمود. از این رو نه فقط کلام آن حضرت غالباً به تشبیهات و تمثیلات مقرون است بلکه گاه مطالب دقیقه روحانی را بصورت تابلوی جامع زیبایی از تصاویر عرضه می دارد چنان که بجای خود خواهد آمد. در این جا نمونه ای از تشبیهات حضرت عبدالبهاء نقل می شود که بعضاً از جهت بدعت و تازگی در ادبیات فارسی بی سابقه است:

"الحمد لله در بهار روحانی مانند گل رحمانی پیرهن چاک نمودی و شکفته و مشکبار گشتی"

"مانند دریا بجوش آمد و بمثابهء نهنگ دریای عشق پر خروش گشت."

باری... مانند فواره بفوران آمد و بمثابهء ماء معین حقایق و معانی جریان یافت.

چون نسیم صبا کوه و بیابان پیمود تا آن که بکوی دوست بسر منزل جانان رسید.

عاقبت مانند ظل زائل گشت

بدلالت برادر به شریعة الله وارد و بمثابهء دو پیکر یعنی جوزاء در نقطه واحده جمع شدند.

پاران الهی راتسلی خاطر بود و بدخواهان جمال مبارک راسیف شاهر مانند نجوم، شیاطین اوهام را رجوم بود و بمثابه شهاب ثاقب بر اهل وسوس غالب

ب - استعاره نیز در کلمات مبارکه بوفور دیده میشود بیک دو مثال در این جا اکتفا می رود: الحمدالله در شرق و غرب روانج مشک جان منتشر (که مشک جان استعاره از کلام الهی است) مثال دیگر: سراج رحمانی در زجاج قلب بر افروز (که محتملاً مراد از سراج رحمانی محبت الهی است.)

ج - کنایه، مانند این عبارات: از خدا خواهم که ساز و آواز احبای الهی چنان بلند شود که زلزله بر ارکان پاریس اندازد.

که زلزله افکندن کنایه از تغییر مشرب دینی مردم آن شهر است.

د - مطابقه یا صنعت تضاد در آثار حضرت عبدالبهاء گاه زیبایی سخن را بحد اعلی می رساند نظیر این جملات از تذکرة الوفاء: "گاهی مانند آه مظلومان بر هر فرازی می شتافت و گهی مانند سرشک چشم ستمدیدگان بهر نشیبی می تاخت که فراز و نشیب از مقوله تضاد یا طباق است. نمونه دیگر: از بادیه جهل به شاطی بحر علم شتافتی و از مغرب نیستی بمشرق آفتاب هستی حقیقی خود را انداختی که نیستی و هستی، مغرب و مشرق، بادیه و بحر، جهل و علم از همین مقوله است.

د - مراعات نظیر یا صنعت تناسب در کلام حضرت عبدالبهاء چنان مقامی دارد که کمتر مکتوبی را خالی و عاری از آن میتوان یافت بعنوان مثال به لوح ای سرگشته صحرای عشق در منتخباتی از مکاتیب ج ۲ ص ۳ - ۱۹۲) اشاره می کنیم که در آن از جمله این کلمات متناسب آورده شده: نسائم و ریاض - دل و جان - جسم و جان - اسماء و صفات - چوکان و اسب - گوی و چوکان - وقت و عمر - جان و لب و غیر آن .

د - تنسیق الصفات را یکی دیگر از صنایع خوش ذکر کرده اند مشروط بر آن که در آن اعتدال رعایت شده باشد مثال آن در آثار مبارکه: "فی الحقیقه شخصی بود طلیم و بردبار و سلیم و خوش رفتار و خوش خلق و خوش گفتار" (تذکرة الوفاء - ۹۸)

این شخص از نفوس مطمئنه است بلکه راضیه مرضیه، خالص در دین الله است و مخلص در محبت حضرت کبریا، خوش اخلاق و خوش رفتار بود و خوش صحبت و شیرین گفتار" (۱۱۹)

ه - تلمیح آن است که گوینده در بیان خود بداستانی یا آیه و حدیثی و یا شعر مشهوری اشاره کند. نمونه هائی از تلمیح در آثار مبارکه را در این جا می آوریم:

چون حسن یوسف رحمانی در بازار کنعانی جلوه کند البته در مصر الهی ولوله افتد و صد هزار پیر فانی و صد هزار زلیخای عصمت و عفت در عالم وجدانی گرفتار آید. (مکاتیب ۷/۷۵)

یا ای خلیل جلیل - حمد خدا را که بنورانیت جهان الهی عزیز و نبیلی و در نار نمرودی گلشن رحمانی یافتی و از عون و صون جبریل نیز رخ بتافتی، در خطاب الـك حاجة اما اليك فلاگفتی

و - تمثیل یا ارسال امثله و حکم در آثار حضرت عبدالبهاء رایج است و جناب دکتور وحید رافقی مطالعه ای را در این مورد آغاز کرده اند که بعضی نتایج آن در مجله پیام بهائی آمده است یا خواهد آمد. از آن جمله است این عبارات: "آرزوی من همواره چنین است که جان شیرین را فدای یاران نازنین نمایم و این را موهبت نور مبین شرم و امیدم چنان است که عاقبت بحسب مثل مشهور این روغن ریخته وقف درگاه بندگان الهی گردد." (پیام بهائی شماره ۱۰۷ - ص ۱۳)

در ارتباط با تلمیح و تمثیل و تضمین بجای خود خواهیم گفت که آثار حضرت عبدالبهاء رشته ای ناگسستنی با ادبیات کهنه پرمایه فارسی دارد و فی المثل بسیار تعابیر یا تصاویر معمول حافظ شیرازی در نثر مبارک بازیافته میشود که در این جا بیک دو مثال اکتفا می کنیم در موضعی میفرمایند:

"کلبه روحانی یاران دمبدم معمور و آبادان شود غم مخور" که بطور ضمنی مصرع "کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور" را متضمن است.

و در جای دیگر "این چه جاه جلیل که از چاه سیاه باوج ماه رساند" که این بیت لسان الغیب شیراز را بخاطر می آورد:

"عزیز مصر بر غم برادران غمخور" ز قمر چاه بر آمد باوج ماه رسید"

و - از صنایع لطیف حسن مطلع است که هم سخن را دلپذیر میکند و هم از شرایط بلاغت سخن است و بی گمان در این عرصه کمتر نویسنده ای را می توان یافت که بتواند به گرد پای مرکب حضرت عبدالبهاء رسد. حضرت عبدالبهاء غالباً مکاتیب خود را با اختیار عنوان و نعت زیبای خوش آیندی برای مخاطب خویش آغاز می کنند. مثال های ذیل عموماً از جلد پنجم مکاتیب گرفته شده است: ای سرمست باده موهبت رحمانی - ای شمع محبت جمال مبارک - ای عاشقان جمال رحمانی و ای مخموران صهبای روحانی - ای مشتعل بنار محبت الهی - ای مهتدی بنور هدایت کبری - ای هزار گلزار الهی - ای عندلیب گلشن معانی - ای واقف اسرار یوم نشور - ای مظهر بخشش الهی - ای نهال های باغ الهی - ای مشتغل بخدمت امرالله - ای ورقه مبارکه فردوس الهی .

عبارات نخستین مکاتیب مبارکه غالباً بس دلنشین است منجمله این جمله ها از همان جلد مکاتیب:

‘ای امة الله - آنچه مرقوم نموده بودی ملاحظه کردید مضامین، ریاض ثبوت بود’ (ص ۱۴۰)

‘ای ساعی در خدمت امرالله - آنچه از قلم خلوص تحریر یافت منظوری کردید و مفهوم شد نفعه خوشی استشمام گردید و نسیم دلکشی استنشاق شد’ (ص ۱۲۸)

‘ای حبیب من - چندیست که اثر قلمی پدید نه و خبری از آن مفتون الهی و شیدای جمال رحمانی نمیرسد. چه شده است که بلبل از غزلخوانی در گلشن الهی باز مانده و چه واقع گشته که خم مل محبت الله از جوش و خروش افتاده؟’ (ص ۱۴۶)

تقریباً اکثر الواح مبارك حضرت عبدالبهاء باکلیل ‘هوالله’ مکال است و خود هیکل مبارك در این مورد فرموده اند:

‘...در خصوص عنوان ‘هوالله’ در مکاتیب مرقوم نموده بودید از این کلمه مراد این است که کسی به غیب بحث راه ندارد السبیل مسدود و الطریق ممنوع در عالم کل باید بمن یظهره الله توجه نمایند اوست مطلع الوهیت و مظهر ربوبیت، مرجع کل و مسجود کل و معبود کل...’ (مانده آسمانی، ۲ - ۱۴۰)

ز - حسن مقطع - در اکثر مکاتیب مبارکه در پایان برای مخاطب مزید تأیید و توفیق من عندالله مسئلت می فرمایند یا بعبارت ‘علیک البهاء الابهی’ یا ‘علیک التحیه و الثناء’ سخن را پایان میدهند. (۱۴) نمونه های دیگر حسن مقطع:

(۱) مناجات - پایان لوحی خطاب بجناب میرزا عبدالله مطلق (مکاتیب ج ۳ - ص ۳۰۱) - ‘خدایا مطلق را آزاد کن و مؤید بالطف بی پایان نما تا در آن صفحات شمع برافروزد و حیات تازه بدمد و علیه البهاء الابهی.

(۲) - درج یکی از آیات الهی فی المثل از قرآن کریم: ‘آداب و اصول ریاضت که از پیش بود بکلی منسوخ گشت هذا هوالحق و ما بعد الحق الا الضلال المبین و علیک التحیه و الثناء ع’ (۳ - ۲۵۵)

(۳) عبارتی از مقوله استعفاف: ‘جمیع یاران الهی را بجان و دل مشتاقم و از نار اشتیاق در احتراق و علیکم البهاء الابهی ع’ (۳ - ۱۹۴)

(۴) تشویق و ترغیب بخدمت: ‘و از خدا امیدوارم که سبب شوی که در شهر پاریس نور تقدیس جلوه نماید و علیک البهاء الابهی’ (۳ - ۱۷۴)

(۵) دلداری و اطمینان بخشی: ‘جمیع یاران را دلداری دهید و بموهبت رحمانی نوید بخشید و علیک البهاء الابهی’ (۳ - ۱۵۳)

تصویر گری و تابلو سازی در آثار مبارکه

از خصوصیات کم نظیر آثار حضرت عبدالبهاء آن است که گاه چیزی را به چیز دیگر تشبیه می فرمایند ولی کار بهمان جا خاتمه نمی پذیرد و بمناسبت، در

۱۴ - در لوحی در همان مانده آسمانی (۲ - ۱۴۱) مسطور: ‘در بعضی نامه ها آخرش ‘و علیک البهاء’ مرقوم و در بعضی ‘و علیک التحیه و الثناء’ مرقوم، مقصدی در این نیست مقصد از هر در تحت است...’

ارتباط با مُشَبَّه، تابلوی کاملی عرضه می‌دارند که همه چیزها که با مشبّه به مربوط است در آن بمراعات نظیر آورده می‌شود فی‌المثل برسم معهود در ادب فارسی اطفال را به نهال‌ها تشبیه می‌کنند و بمناسبت، سیزده امر دیگر را که با مشبّه به مربوط است در یک تابلوی کامل می‌آورند:

هوالله - ای پاک یزدان - این نهالان جویبار هدایت را از باران ابر عنایت تر و تازه فرما و به نسیم ریاض احدیت اهتزازی بخش و به حرارت شمس حقیقت جانی تازه عطا نما تا نشو و نما نمایند و روز بروز ترقی کنند و شکفته گردند و پر بار و برگ شوند... الی آخر کلامه الاحلی عناصر تابلو اعم از اسم و صفت عبارتند از: نهال - جوی - باران - ابر - تر و تازه - نسیم - ریاض - اهتزاز - حرارت - شمس - نشو و نما - شکفته - پر بار و برگ.

مثال دیگر که بی‌گمان یکی از شاهکارهای تصویرگری در ادب فارسی است (۱۵) لوح مبارک خطاب بایادی امر حضرت علی قبل اکبر است در این لوح مبارک بلایا و مصائب را به باران و بوران و طغیان و طوفان تشبیه می‌فرمایند بر این اساس یک تابلوی کامل بشرح ذیل می‌سازند که از جهت زیبایی و لطف بیان و احتواء بر صنایع گونه‌گون بدیعی بی‌مانند است:

هوالابهی - ای ناطق بثنای حضرت یزدان - در موسم زمستان آنچه طغیان طوفان شدید تر و باران و بوران عظیم تر در فصل نو بهار گلشن و گلزار طراوت و لطافتش بیشتر گردد و حلاوت و زینت چمن و لاله زار زیادتر شود گریه ابر سبب خنده گل گردد و دمدمه رعد نتیجه اش زمزمه بلبل شود و شدت برد جمال ورد ببار آورد و طوفان سرد باغ را بشکوفه‌های سرخ و زرد بیاراید اریاح شدید منتج نسائم لطیف گردد و باد صبا شمیم گل حمرا گیرد سفیدی برف سبزی چمن شود و افسردگی خاک شکفتگی نسرین و نسترن گردد و پژمردگی شتا تری و تازگی بهاری شود و شدت سرما اعتدال هوا گردد سرو ببالد فاخته بنالد بلبل بخواند گل چهره برافروزد لاله ساغر گیرد ترکس مضمور گردد بنفشه مدهوش شود اشجار سبز و خرم شود و اوراق طراوت جوید ازهار بدمد اثمار نمودار شود گلشن مجلس انس شود و چمن محفل قدس گردد. جمیع این فیوضات و تجلیات بهار اثر مصیبات زمستان است و گل سرور و حبور گلشن و گلزار از اثر برودت فصل شتا - لهذا ای اسیر سلاسل و اغلال و رهین وثیق و سجن در راه پروردگار - اگر چه در بلایای شدیدة افتادی و در رزایای عظیمه گرفتار شدی، گأس بلا نوشیدی و زهر ابتلا چشیدی بسا شبها که از ثقل اغلال نیارمیدی و بسا روزها که از اذیت اهل ضلال نیاسودی اینست صدمات قویه بود و جلیست بلیات شدیدة - امیدواریم که این مشقات جسمانیه راحت و مسرت روحانیه آرد و این آتش سوزان عوانان

۱۵ - در مورد تصویرگری و شعر رجوع شود به دو تحقیق در زبان فارسی یکی از دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی : صور خیال در شعر فارسی - طهران - ۱۳۵۰ و دیگری از سید حسین فاطمی: تصویرگری در غزلیات شمس. این دو کتاب کلید بررسی تصاویر در آثار منظوم یا منثور را بدست میدهد.

روح و ریحان قلب و وجدان آرد این عسرت علت مسرت گردد و این زحمت باعث راحت شود و این نعمت سبب نعمت جاودانی گردد و این تنگی سجن گشایش جهان الهی شود قسم بسطان وجود و عالم غیب و شهود که این بلیات سبیل محبوب از جان عزیزتر است و از شهد و شکر لذیذتر ع.

پیام بهائی - شماره ۶ - ۷ - ۱۹۸۰

چون در بحث از صنایع لفظی جانب اختصار رعایت شد در این جا فقط به چند مورد از کار برد صنایع لفظی که تاکنون از آن ذکری نرفته اشاره می کنیم. در لوح فوق زحمت و رحمت از مقوله جناس خطی و نعمت و نعمت از مقوله جناس لاحق (۱۶) است. در مورد تصویرگری یا تابلو سازی ذکر دو مثال دیگر میتواند پیست خاطر دوستان افتد:

یکی در مناجات مخصوص اطفال و نوجوانان (منتخباتی از مکاتیب ۲ - ۲۶۸) که عناصری چون ربیع - نهال - کشت - سحاب - باران - جوی - آب و گل و مانند آن را بهم تلفیق کرده است:

ای بدیع الالطاف لطفی بدیع نما و لطافت ربیع بخشا ما نهالانیم بدست مرحمتت کشته و با آب و گل مودتت سرشته محتاج جوی عطای توئیم و شایان ابر سخای تو - این کشت امید را بخود مگذار و از باران عنایت دریغ مدار - از سحاب جودت بیار تا نهال وجود بیار آید و دلبر مقصود در کنار و دیگری در لوحی خطاب به جمشید نام (در همان منتخبات جلد دوم نمره ۲۲۳) که وصف کامل بهار روحانی یعنی ظهور مظهر الهی است:

وصف بهار روحانی (ظهور الهی)

اوست خورشید درخشنده و بخشنده مهربان

ای جمشید سپیده دمید و خورشید درخشید، بهار رسید، ابر فروردین گریست، اردیبهشت کیهان را بهشت برین نمود، سرو بیالید، مرغ بامداد بنالید، گل بشکفت و سوسن آزاد با زبان خاموش گوهر راز پنهان بسفت، بزم گرم برپا شد، و جشن سده در چمن آشکار گشت، جام جم در گردش آمد، و آهنگ بارید بلند شد، ساز و آواز بمیان آمد، چنگی ترانه آغاز کرد و با چنگ و چغانه دمساز شد، خمر باده و مل بجوش آمد، در انجمن گل نوشانوش درگرفت، مرغان چمن سرمست گشتند، تذران می پرست شدند، با همه این های و هوی و غرش و فریاد و گفتگوی و جنبش و آواز و گردش جام مشکبوی، مرغانی بجستجو نیامدند، و باین گلستان نشتاقتند، تو آوازی برآر، و فریادی بزن، بلکه بیدار کردند و هوشیار شوند.

هنر افراغ معانی لطیف دقیق روحانی در قالب تصاویر و

تمثیلات

حضرت عبدالبهاء با استفاده از تشبیه و کاربرد تصویر، معانی رفیق

۱۶ - در مورد جناس در آثار مبارک رجوع شود به ضمیمه (۱) این گفتار.

روحانی را بقدرتی استثنائی مفهوم عام و خاص می فرمایند در این جا نمونه هائی چند، باز از جلد پنجم مکاتیب مبارکه آورده میشود:

برای تفهیم صولت و صعوبت امتحانات:

آریاح امتحان شدید در مرور است و عواصف افتتان عظیم در هبوب، جنود شبهاست است که مهاجم بر سایر جهات است و لشکر تزلزل و اشارات است که در تاخت و تاراج است

برای تفهیم اهمیت ثبوت و رسوخ بر میثاق:

یاران چون اشجار بوستان شاخه و ریشه کنند و بر عهد مستقیم مانند

برای تفهیم ضرورت بلایا در سبیل الهی:

عنقریب ملاحظه خواهد شد که آن مطموری چه معموری در پی داشت و آن خرابی چگونه سبب آبادی گشت. آن جفا باعث چه وفا شد و آن درد مورث چه صفا گشت همیشه چنین بود و چنین خواهد بود: بنای عتیق تا ویران نگردد قصر مشید نشود و درختان تا عریان نگردند برو شکوفه بر نیارند، جامه کهنه تا دریده نگردد خلعت جدید در بر نشود. هرچند بظاهر بلایا بود ولی بحقیقت ولا و جام عطا و سبب قربیت بدرگاه کبریا

برای تفهیم لزوم تمرکز مساعی در خدمت امر الهی:

آن یار مهربان باید چنان شعله ای زند که حرارتش آن صفحات را جبل فاران کند و فوران آتش عشق بعنان آسمان رسد

در این دو عبارت يك صنعت دیگر بدیعی که مبالغه و اغراق باشد نیز دیده میشود اما آن گونه مبالغه و اغراق که برای تأثیر کلام گفته شده و به سخن جمال و جلال بخشیده است.

برای تفهیم وحدت یا اتحاد این عبارات در مکاتیب مبارکه آمده:

افراد انسانی بنهایت مهربانی اعضای يك انجمنند و قطرات يك بحر و طیور يك گلشنند و لئالی يك دریا، اوراق يك شجرند و انوار يك شمس

غنائی استثنائی لفظ و معنی در آثار مبارکه

برای آنکه غنائی استثنائی لفظ و معنی در آثار حضرت عبدالبهاء بخوبی دستگیر شود کافی است ملاحظه کنیم که يك مضمون واحد که تبلیغ کلمه حق و امر الهی باشد به چند ده گونه تعبیر مختلف در آثار حضرتش بیان شده است به عبارات ذیل توجه شود:

(مأخذ مکاتیب مبارکه - جلد ۵)

۱ - دلالت بر منهج هدایت

۲ - از صهبای ظهور عالم را سرمست کردن

۳ - نشر نفعات

۴ - انتشار آثار الله

۵ - نصرت امر الله

۶ - سوزاندن حجابات اهل امکان

- ۷- مرغ گلشن اسرار و بلبل گلبن حقائق و آثار شدن
- ۸- ایقاظ خفتگان
- ۹- تخم افکندن درخاک پاک
- ۱۰- منور کردن اقلیمی بانوار تعالیم رحمانی
- ۱۱- اعلاء کلمة الله
- ۱۲- دلالت تشنگان به عین تسنیم
- ۱۳- آوردن دوزخیان بجهت نعیم
- ۱۴- بینا کردن کوران
- ۱۵- بهوش آوردن مضموران
- ۱۶- رساندن بانگ سرش
- ۱۷- فتح حصون قلوب
- ۱۸- دمیدن روح حیات به جسد عالم
- ۱۹- شبندی بمزرعه قلوب امم رساندن و نظائر آن تعبیرات زیبا و دلنشین.

ارتباط کلام به شغل و کار مخاطب

از لطائف صنایع که در آثار مکتوب آن حضرت (ترسلات) بوفور دیده میشود و آن را از مقوله بلاغت یعنی سخن باقتضای حال و مقام گفتن باید تلقی کرد ارتباط دادن مضمون کلام برشته و فن طرف مقابل است و قدرت و مهارت حضرت عبدالبهاء در ذکر اصطلاحات مخصوص هر رشته و فن بحقیقت موجب حیرت است. از مکاتیب جلد هشتم و ششم این دو لوح مبارک را نقل میکنیم:

هو الله - ای خیاط رشته مریمی بدست آور و زخم آفاق را رفو نما قمیص یوسفی بدوز تا نوحات قدسش مشام پیر کنعان را معطر فرماید و ردای ممتاز براننده پر هیکل خویش بدوز تا ذیلبش خطای یاران را بپوشاند... و

هو الله - ای خیاط - جامه ای که بر اندام هیکل عالم موافق و موزون و براننده است خلعت میثاق است و تشریف عهد محبوب آفاق چه که خیاط الهی این جامه را بریده و سلطان حقیقی بخشیده حال کهنه دوزانی چند کمر همت برپسته که از قماش های عتیق مندرس که تار و پودش از اوهام صرف است جامه آلوده ای بجهت هیکل عالم دوزند و از خلعت تقدیس رحمانی عاری و بری نمایند فبئس ما هم یفعلون - ابن قمیص از حریر ملکوت است و دستگاهش در جهان لاهوت و صانعش سلطان جبروت و البهاء علیک ع

حضرت عبدالبهاء در لوحی باین مطلب اشاره فرموده اند که همه انبیای الهی صاحب فن و حرفه ای بودند آن حضرت نیز شخصاً فن و حرفه ای فرا گرفته بودند و در بعضی الواح باصحاب حرف یاد آور میشوند که کار و پیشه آنان را انبیای سالفه نیز عهده دار بوده اند. باین لوح مبارک عنایت فرمائید:

قائنات - میرزا محمد نجار علیه ۹ - هو الابهی - ای نجار - نوح نبی نجار بود و سفینه نجات مهیا کرد تو نیز الواح و دفتری از حقائق و معانی حاضر کن و کشتی

بهشتی بساز و یاران صادق را سوار کن و بادبان بگشا و بر دریای حقیقت سیر و سیاحت ده و البهاء علیک ع

مزاح و طیبیت

شادی و فرح در این ظهور اعظم مورد توجه و تأکید بی سابقه ای واقع شده و چنانکه می دانیم در سخت ترین شرائط زندگی صوری درعین سجن و مخاطرات و مصیبات، حضرت عبدالبهاء دست از مزاح و مطایبه برنمی داشتند و در الواح خود به اطباء سرور و شادی را یکی از طرق معالجه امراض جسمانی تشخیص فرموده اند. (۱۷) مجاوران و زائران کوی حضرتش هر یک درسی از مطایبات آن حضرت پارمغان برده اند که ثبت کتب و دفاتر است. (۱۸) و در این مختصر مجال شرح آن نیست در اینجا دو نمونه از الواح مزاحیه آورده میشود و خوانندگان را به مجموعه های الواح برای یافتن شواهد دیگر احاله می کند (از جمله رجوع شود به مانده آسمانی جلد ۵).

هو الله جناب مشهدی علی قهوه چی

هو الابهی

ای خادم احباء الله ای غاصب حق عبدالبهاء خدمت یاران و خادمی دوستان منصب ابدی و مأموریت سرمدی این عبد است و تو منصب مرا غصب نمودی و در کمال دلیری مشی و حرکت می نمائی از خدا بترس این رداء من است چرا در بر نمودی و این تاج من است چرا بر سر نهادی یا عهد و کالت میکنی که بالنیابه از من در کمال خضوع و خشوع بخدمت احبای الهی قیام نمائی و از ادعای اصالت بگری و یا آنکه شکایت به قاضی شهر و مفتی قصر مینمایم الحمد لله مجتهدین بسیار بیک نقض عهد رشوة هر حکم میتوان گرفت و السلام ع.

هو الله عشق آباد - جناب آقا شیخ احمد علیه بهاء الله الابهی

ای مرتل آیات در محافل نجات - جناب آقا میرزا علی اکبر آلان در نهایت قوت و استقامت و وقار نشستند و در کمال فصاحت و بلاغت می فرمایند که حضرت ابن ابهر باخوی وعده مکتوب نموده اند من نیز فی الحقیقه خجالت کشیدم و چاره ندیدم و کلک را بدست گرفته و بنگارش پرداختم زیرا محصل آذربایجانی

۱۷ - در مورد اهمیت سرور و شادی چند بیان مبارک را ذیلاً نقل میکنم:

در سفر نامه امریکا: تو باید همیشه مسرور باشی و با اهل انبساط و سرور محشور و باخلاق رحمانی متعلق زیرا سرور مدخلیت در حفظ صحت دارد و از کدورت تولد امراض میشود. آنچه مایه سرور دائمی است روحانیت است و اخلاق رحمانی که حزنی در پی ندارد اما سرور جسمانی در تحت هزار گونه تغییر و تبدیل است. (امروظق - ۳)

۱۸ - از جمله رجوع شود به خاطرات ۹ ساله عکا - خاطرات حبیب و یادداشتهای در باره حضرت عبدالبهاء از هوشنگ محمودی و بدایع الآثار و یادداشتهای دکتر ضیاء بغدادی و بدیع بشری و غیرهم.

است و من مازندرانی یا نوری و طهرانی دیگر چگونه از دست او گریزم و اگر از چنگ او فرار کنم جناب ابن ابهر را چکار کنم زیرا ایشان نیز از قضا ترکند با ترکان نتوان ستیزش نمود باید آمیزش کرد ملا می گوید: جز که تسلیم و رضا کو چاره ای. این ذکرها مزاح است و مجاز اما حقیقت این است که در این انجمن بسیار عزیزی و در این بساط بسی محترم...

موسیقی کلام حضرت عبدالبهاء

هنگام زیارت مناجاتهای حضرت عبدالبهاء گاه این احساس دست می دهد که ذات اقدس در موقع صدور آنها توجه بیکی از دستگاههای موسیقی ایرانی داشته اند و آشنائی بان دستگاه بخواننده مناجات کمک می کند که آن مناجات را درست و بدون شکستن یا کشیدن کلمات بموزونی تلاوت نماید. بسیاری از جملات در الواح مبارکه آنقدر موزون است که بی اختیار انسان را بنوع آهنگ موسیقی هدایت می کند علاوه بر این گاه وزن و آهنگ خوش در نثر آن حضرت چنان اوجی میگیرد که گویی بی اختیار بنظم تبدیل می شود مثالهای ذیل این حقیقت را روشنتر میکند:

در لوح "ای یاران حقیقی و مشتاقان جمال الهی" در جلد اول مکاتیب مبارکه در نیمه مکتوب محبوب چنین آمده: "مطرب الهی او تار مثالث و مثنائی بدست گرفت و باهنگ پارسی آغاز نغمه و ساز نمود و بشهنان این ترانه آغاز کرد: این عهد الست است این، پیمانه بدست است این، بازار شکست است این، از یوسف رحمانی، میثاق وفاق است این، پیمان و طلاق است این، آفات نفاق است این، از رحمت یزدانی، این عهد قدیم است این، این سر قویم است این، این امر عظیم است این، از طلعت ابهائی روحی لاحبانه الفداء ع ع .

در کتاب بشارت النور چنین آمده: ای بلبل خوش الحان گلشن عشق - وقت آن است که از فرقت پر حرقت سلطان گل در صحن چمن بنالی و بزاری و بسوزی و بگدازی و این ترانه آغاز کنی و باین نوا بنوازی و کار دلها بسازی: ای مهر منور، ای روح مصور، ای نور مشهر، فریاد ز هجرانت . ای شمس حقیقت، ای نور هویت، ای شمع هدایت، فریاد ز هجرانت و البهاء علیک و علی احباء الله من هذا العبد البائس الفقیر ع ع .

در آثار حضرت عبدالبهاء اصطلاحات موسیقی بوفور آورده می شود و دو نمونه در این مورد می آوریم. در لوحی که در جلد دوم منتخبات از مکاتیب مبارکه آمده است می فرمایند: "ای مشتاق وقت آن است که بذکر اهل آفاق پردازی و بیاد یاران نیر آفاق افتی احباء را سبب فرح و سرور گردی و مستمعان را نغمه طیور بشنوانی . آهنگ بدیعی بلند کنی و نغمه جدیدی در چفانه و چنگ برافرازی تا قلوب باهتزاز آید و چانها بانجذاب افتد و دلها پر از التهاب گردد و گوش ها سرود از سروش ملاء اعلی شنود" ایضاً در همان کتاب مسطور: "ای مستبشر بشارت الله ... رو بگزار کن و سیر مرغزار نما عندلیب راز شو و آغاز ساز کن و به نغمه آواز دمساز شو چنگ و چفانه بزنی و نغمه و ترانه برآر مجلس انس در گلشن محبت

الله ترتیب ده صهیای عرفان بنوشان والحن ایقان بنواز...
 از نمونه های نثری که از کثرت خوشاهنگی به نظم می انجامد این لوح و
 مناجات را شاهد می آوریم "هوالله - ای عاشق روی بهاء - توجه به ملکوت غیب
 جبروت کن و بگو: ای هادی ابرار، ای واقف اسرار، ای مونس اخیار، جانم
 بفدایت، ای دلبر دلجو، ای سرور خوشخو، ای گلرخ مهرو، جانم بفدایت. حاجت
 تو بدانی، در هر دم و آنی، جانم بفدایت ع.

موزون بودن عادی کلام آن حضرت هم احساس نظم را در دل پدید
 می آرد فی المثل آن جا که فرموده اند (مکاتیب ۵ - ۴): احزان است که مونس
 جان است، چشم گریبان است که ندیم قلب سوزان است و فریاد و فغان است که
 متصاعد باسماں است یا درموضع دیگر (۵ - ۶): هنگام جذب و شور است نه
 سستی و فتور، دم حشر و نشور است نه روز رخوت و قصور که باسانی میتوان
 این نثر را به نظم تبدیل و تحویل کرد.

تضمین اشعار متقدمین خصوصاً عرفا نیز به نثر آن حضرت عطر
 موسیقی میدهد مثال: ای بنده آن محبوب عالم - در عبودیت آستان مقدس سر
 افزایی و در محبت اسم اعظم گریبان چاک نموده رسوای آفاق شدی - در نامه
 مجنونان از نام من آغازند - زین پیش اگر بودم سر دفتر دانائی (مکاتیب ۵ -
 ۱۲۸). تأثیر اشعار مذکور در نثر آن حضرت گاه آشکار است فی المثل در تذکرة
 الوفا آن جا که فرموده اند:

"مع ذلك از هر آفتی محفوظ بود و در قعر دریا خشک و در وسط آتش بردا"
 و سلاما (ص ۲۳) جوش و خروش، پوش از کار برداشت چنان برافروخت که
 پرده سترو حجاب بسوخت (ص ۸)

که این دو اشارت است بدو بیت از سنائی و حافظ: - نشان عاشق آن
 باشد که سردش بینی از آتش - نشان عارف آن باشد که خشکش بینی از دریا.
 هزار جهد بکردم که سر عشق بپوشم نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم.
 نمونه توجه حضرت عبدالبهاء را به شاعران قدیم در تضمین اشعار آنان
 می توان دید فی المثل در مکاتیب جلد ۵ - ص ۱۲۱ چنین آمده است:
 ... اگر چه بصر اهل غرض جز بدی نبیند و گوش اهل هوا بغیر از ذمانم

نشود.

عاقلان خـوشه چین از سر لیلی غافلند کاین کرامت نیست جز مجنون خرمن سوز را
 شما از وقوع این گونه فساد ها محزون نشوید و دلخون نگردید ما مأنوس
 جفائیم و مألوف وفا.

بر من مسکین جفا دارند ظن - که وفا را شرم می آید زمن"
 در مانده آسمانی ج ۵ - ص ۱۹۵ آمده : شیخ بهائی می گوید:
 علم نبود غیر علم عاشقی مابقی تلبیس ابلیس شقی
 در همان کتاب ص ۱۷۳ آمده: شیخ سعدی می گوید:
 کهی بر طارم اعلی نشینم کهی تا پشت پای خود نبینم
 در همان مجلد ص ۵۸ آمده بقول حکیم سنائی:

نکته و رمز الهی پیش نادانان چنان پیش کر بریط سرا و پیش کور آئینه دار
در منتخباتی از مکاتیب مبارک ج ۲ ص ۱۹۰ و ص ۲۲۲ اشاراتی به اشعار
ملای رومی مولوی شده است.

اما التفات مخصوص حضرت عبدالبهاء بموسیقی که بفرموده جمال اقدس
ابهی مرقاتی برای عروج ارواح است و به تعبیر خود آن حضرت رزق روحانی
قلوب، نه فقط از موزونی و خوش آهنگی سخن حضرتش استنباط میشود بلکه از
تکرار کلمات و اصطلاحاتی که باین فن ممدوح مربوط میشود بر می آید باین لوح
در منتخبات مکاتیب مبارکه جلد دوم (نمره ۲۴۶) توجه فرمائید:

یاران نورانی من در این لیل ظلمانی از هاتف پنهانی ندائی بسمع
روحانی رسید که ای مشتاق وقت آنست که بذکر اهل وفاق پردازای و بیاد یاران
نیر آفاق افتی احباء را سبب فرح و سرور گردی مستمعان را نغمه طیور بشنوانی
آهنگ بدیعی بلند کنی و نغمه جدیدی در چغانه و چنگ برافرازی تا قلوب باهتزاز
آید و جانها بانجذاب افتد و دلها پر از التهاب گردد و گوشها سرود از سروش ملاء
اعلی شنود زیانها ناطق گردد و جوه بارق شود نفوس نخل باسق گردد و در
استقامت و ثبوت جبل شاهق شود وجد و طرب احاطه کند غم و اندوه ازاله گردد
چشمها اشکبار شود و رخها پر انوار گردد سکون مبدل بجنون شود و صبر و قرار
منقلب باضطراب گردد اسرار آشکار شود خفته بیدار گردد پژمرده تازه شود
مضطرب آسوده گردد محروم محرم راز شود مجنون عاقل و هشیار گردد کور بینا
شود و کر شنوا گردد مخموم آتشیار شود مفقود پدیدار گردد ای یاران وقت
بیداریست نه خواب، زندگیست نه مات، زمان حرکتست نه سکون، وقت
هوشمندیست نه جنون، عصر جمال مبارکست، قرن اسم اعظمست، آهنگ
بدیعیست، لحن جدید است، گلبانگ طیوراست، گلشن حبور و سرور است، وقت را
غنیمت شمارید و فرصت را از دست ندهید تا توانید بتابید و بشتابید و بریائید و
بیارائید و بیاسائید جانفشانی کنید مهربانی نمائید آسمانی گردید یزدانی
شوید ملکوتی گردید لاهوتی شوید تا نتیجه نی از حیات بدست آرید و ثمره نی از
شجره وجود ببار آرید.

مجملی درباره نثر مرسل آن حضرت

گفتیم که مکاتیب آن حضرت غالباً بصورت مسجع و مزین است اما نثر
ساده مرسل هم نه فقط در خطابات و افاضات شفاهی بلکه در ترسلات آن
حضرت فی المثل در الواح علمی - فلسفی و مانند آن کمیاب نیست. الواحی که
مشمول بر تعیین تکالیف دقیق یا تبیین احکام و تعالیم یا فک رحیق مختوم نبوات و
بشارات کتب قدیم است غالباً از همین مقوله است. در نثر مرسل جملات کوتاهتر،
مترادفات کمتر، تشبیهات و استعارات قلیل تر و روشنی بیان فزونتر است اما این
گونه آثار هم از هنرنمایی عاری و بری نیست که از همه مهمتر استحکام و انسجام
کلام، بلاغت یعنی مطابقت با مقتضای حال و مقام، شمول بر انواع کلمات قصار
یا جملات کوتاه حکمت بار را باید مذکور داشت.

نمونه استحکام و انسجام کلام: "ای دختر عزیز ملکوتی من... فی الحقیقه حیات خویش را فدا نمودی و نتایج عظیمه روحانی حاصل خواهی نمود. مطمئن باش که روز بروز ترقی خواهی کرد و به ثبات و استقامت خواهی افزود... هرچند موی را فدا نمودی روح خواهی یافت، هرچند این عضو فانی را در سبیل الهی از دست دادی ولی موهبت الهی خواهی جست و بجمال ملکوتی خواهی رسید." (منتخباتی از مکاتیب ۱، نمره - ۱۶۲)

نمونه بلاغت: "درلوح هشتم از فرامین ملکوتی: هو الله - ای حواریون بهاء الله روحی لکم الفداء - نفس مبارک موعود در کتاب مقدس رب الجنود تعبیر گشته یعنی جنود آسمانی و مقصود از جنود آسمانی نفوسی هستند که ... بعد هیکل مبارک اوصاف آن جنود را که "هریک صوری در دست و نفعه حیات بر آفاق می دمند" بیان و آن را با مخاطبان خود در ایالات متحده کانادا تطبیق می فرمایند (مکاتیب ۳ - ۲۷) در موضع دیگر وقتی از احباء فهرست اسامی آنان را در ذیل نامه ملاحظه میفرمایند آن را بقال نیک می گیرند و می فرمایند "مضمون نامه الهامات غیبی بود و فیوضات لاریبی زیرا دلالت بر وحدت احبا و الفت و انجذاب قلوب جمیع بود امروز اعظم مواهب الهیه اتحاد و اتفاق احباست تا این اتحاد و اتفاق سبب ترویج وحدت عالم انسانی گردد..." (منتخباتی ۱ - نمره ۶۸) نمونه کلمات قصار آن حضرت: "اگر قلب نورانی، آن مقرب درگاه کبریاست و الا غافل از خدا، خواه سفید خواه سیاه" (ایضاً ص ۱۱۰) "خزف هر چه تربیت شود لولو لا لا نکردد" (۱۲۸) - "امتحان از برای صادقان موهبت یزدان است" (۱۷۷)

ایجاز و کوتاهی عبارات را در بسیاری از مناجاتهای آن حضرت اعم از مرسل یا مسجع می توان یافت. مثال: "ای آمرزگار - بنده درگاهیم، پر گناهیم، مقیم بارگاهیم، جان و وجدان را شادمانی بخش، دلهای پریشان را از قید آب و گل رهایی ده، ملحوظ و محفوظ دار و مصون و محفوظ کن، در دو جهان کامران فرما و از فضل وجود خویش شادمان کن"

در موضع دیگر: "دردمندم درمانم تویی - مستمندم گنج روانم تویی، در ظلمات گرفتاری مبتلایم خورشید تابانم تویی در انجمن توحید حاضریم شمع رخشانم تویی، اسیر زندان خاکم دیوان بلند کیوانم تویی، مسموم سموم غموم دریاق جان و روانم تویی"

اکثر الواح مبارک که خطاب با حبابی غرب صادر شده (نمونه آنها را در جلد سوم مکاتیب مبارکه می توان یافت) بصورت ساده مرسل صادر گشته که مسلماً ترجمه و فهم آن برای اهل غرب آسان تر بوده است و نیازی باشنانی با اصطلاحات ادب و عرفان شرق که در آثار دیگر بوفور دیده میشود در کار نمی آمده است.

اصطلاحاتی که در آثار مبارکه فراوان است.

اشاره با اصطلاحات ادبی و عرفانی مشرق شد. آثار مبارک مرکز عهد و میثاق لبریز است از اصطلاحات مربوط بآداب فارسی - اصطلاحات دینی،

اصطلاحات عرفانی که بی گمان درک درست آنها موکول به آشنائی کافی است نمونه عبارات که آگاهی به ادب فارسی را مستلزم است:

- پُرده مستوری برانداز و چون گل رسوای کوچه و بازار شو^۱
- امیدوارم که از زندان طبیعت رهائی یابی و بایوان حیات ابدیه رسی^۲
- از شدت محبت شوق شاعری داشت و آرزوی قصائد و غزل خوانی ولی عیاری از سجع و قوافی - قافیه اندیشم و دلدار من - گویدم مندیش جز دیدار من

نمونه اصطلاحات عرفانی:

در بدایت سلوک در مراتب تسلیم و رضا مسالك فقر و فنا پیمودم و اقتباس انوار کرد^۳ (تذکره الوفاء) بمجرد مشاهده طلعت نوره منجذب شد و مراجعت بایران کرد تا با مدعیان طریقت و رفقای سابق طالبان حقیقت ملاقات نماید^۴ (همان کتاب) بعنایت نورمبین چون بعلم الیقین فائز گردید بسجن اعظم شتافت و مشاهده انوار عین یقین کرد و به رتبه بلند حق الیقین رسید^۵ (ایضا) اصطلاحات دینی یا اشاره به تاریخ و عقائد و آداب دینی در آثار مبارکه چنانکه انتظار می رود بسیار استعمال شده است در این جا فقط بذکر چند مثال کفایت می شود:

در مناجاتی از آن حضرت است:

فیض روح القدس ارزان فرما و قوت روح الامین رایگان کن تا دوستانت بقوت لاهوتی و قدرت ملکوتی و سطوت جبروتی و تأییدی سمائی و جنودی آسمانی و نفسی رحمانی و بخششی یزدانی و ید بیضائی کلیمی و نفعه مسیحائی و خلیتی خلیلی و محبتی حبیبی و جمالی یوسفی و اشتیاقی یعقوبی و صبری ایوبی بر خدمت قیام نمایند (مجموعه مناجات ۲ - ۳۶)

در مناجاتی دیگر آمده: "اگر مدد غیبی رسانی این موران نحیف شکوه سلیمانی بنمایند در لوحی آمده است: الحمدلله در راه هدی سالك و از جلوه و ظهور مجلی طور مستفیض و متمتع" و در لوح دیگر: "حتی گروه مکروه ظالمان در صحرای کربلا بظاهر خداگو و خدا جو بودند ولی بحقیقت بدرو و بدخو و بدگو" تأثیر قرآن مجید در آثار حضرت عبدالبهاء شدید و پدید است که حق است تحقیق جداگانه ای بآن اختصاص یابد دو سه نمونه از عبارات مبارک در این مورد بشهادت آورده می شود:

"کأس طهور است که طافح بمزاجها کافور است"
رایتش یا بهی الابهی، آیتش علمه شدید القوی

فیضی در عالم وجود اعظم از حب نیست این است آیت کبری. این است امانت عظمی ولی چون شرایط و شواهد آن بسیار عظیم است لهذا جمیع کائنات تحمل آن را نداشت... این موهبت تخصیص بعالم انسان یافت اگر چنانکه باید و شاید شرایط و شواهد در نفسی تحقق یابد فتبارک الله احسن الخالقین ظاهر و آشکار گردد

برخی از اصطلاحات دینی که در آثار مبارک دیده می شود و اطلاع بر

کتاب مقدسه را ایجاب میکند: ماه کنعانی، نارنمود، لمعه طور، نقر ناقور، و نفخه صور، آیات محکمت، جنة النعیم، قوت روح القدس، ملائکه آسمانی، حمل امانت کبری، رب الجنود، رب الجبروت، ناسوتی، لاهوتی، سجن یوسفی، سید حصور، سید یثرب، امام بطحاء، خلع نعلین، سب و لعن فریسیان، ملکوت الهی و نظائر آن. نمونه اصطلاحات عرفانی که درک ژرفتر آنها مراجعه بکتاب و آثار متصوفه را مستلزم است: جذب، جاذبه، انجذابات، اکتشافات روحانی، فیض و فیوضات، شوق، ذکر، مشاهده و شهود، سماع، مراحل و منازل، وجد، حال و قال، یقین، رضا، توکل، فقر، فنا، باده و خمر، صهبای الهی، و از این قبیل. استناد به قرآن: تضمین آیات قرآنی در نثر حضرت عبدالبهاء بسیار رایج است در این جا بچند نمونه بسنده می شود:

نَفُوسِیْ که در ظلّ کلمه جامعه هستند باید هر یک در این افق که مشرق بانوار وحدت اصلیه است نجمی ساطع و کوکبی لامع باشند تا زجاجات اکوان باشعه ساطعه از این سرج الهیه روشن و منیر گردند مثل نوره کمشکوة فیها مصباح منتخباتی ۲ - (ص ۱۳۷) ارکان صلح فی الحقیقه بخیر خواهی عالم انسانی قیام نمایند و مظهر آیه مبارکه لا تأخذهم فی الله لومة لائم گردند... مکاتیب ۳ - (۳۴۴) ایضاً در همین کتاب اخیر (۳۴۳) آمده: نفوس اجله ای که در سنه ماضیه بمعاونت فقرا پرداختند از الطاف حق میطلبیم که انفاقشان کعبه انبت سبع سنابل و فی کل سنبله مائده حبه و الله یضاعف لمن یشاء کرد و هزار افسوس که غافلان هنوز در خواب غفلت گرفتار و بی خردان از این موهبت مقدسه بیزار کوران محجوبند و کران محروم و مردگان مایوس چنانچه می فرماید: اولئک ینسوا من الاخره کما ینس الکافرین اصحاب القبور... (منتخباتی ۱ - ص ۸) و نیز این قضیه قابل الانکار نیست مگر نفسی که مجرد بعناد و الحاد و انکار معانی واضحه آشکار برخیزد و حکم آیه مبارکه هم بکم عمی فهم لایرجعون پیدا کند (مکاتیب ۳ - ۴۸۸)

کاربرد ماهرانه لغات مهجور و دشوار

یکی از طرفه هنرهای حضرت عبدالبهاء که بزبان فارسی با ادخال لغات عربی وسعت فوق العاده ای بخشیده اند کاربرد لغات مهجور و دشوار بشیوه ای است که برای خواننده درک و فهم آن درنسخ عبارت ساده و آسان، جلوه میکند. چند نمونه در اینجا می آوریم که کلاً از جلد دوم منتخباتی از مکاتیب است:

- نه راحتی و نه فرصتی ولی در عتبه مبارکه هردم تبتلی و ضراعتی (ص ۱)
- عقده های مشکل در کار افتاده و عقبات صعبه در راه پیدا شده (۶)
- این ماهیان لجه توحید را در بحر اعظم عنایتت غوص ده (۷)
- در این کور رحمانی طیور ضعیفه از حسیض هوان به سماء رحمن عروج نمودند (۹)

- جمال رحمانی و هیکل صمدانی از عالم تجرد به جهان تحیز شتافت و جمیع بلایا و آلام را تحمل فرمود (۳۴)

شیفتگی در برابر زیبایی طبیعت

آثار حضرت عبدالبهاء غالباً از مظاهر طبیعت برای بیان معانی روحانی مدد میگیرد و کلماتی چون درخت - گل - گیاه - گلستان - مرغزار - چمن - کوه - دشت - آسمان - دریا - سنگ - خاک - کوهر - چشمه - روشنائی و نور - نفحه - نسیم - ماه - خورشید - نجوم - طیور و مانند آن در ادای مطلب فراوان بکار گرفته میشود. توصیفات طبیعت در آثار مبارک از زیبایی استثنائی برخوردار است. غالباً ظهور مبارک حضرت بهاءالله را به بهار روحانی تشبیه میفرمایند و براساس این تشبیه در تصویرگری جمال طبیعت داد سخن میدهند.

نمونه ای از این توجه و عنایت را در تشریح موضع بهار روحانی در لوح ذیل میتوان دید. (مانده آسمانی جلد پنجم ص ۱۲۲ - ۱۲۴) قوله الاطی:

هوالبهی ای صراف نقود قلوب در بازار جوهریان، خداوند در قرآن مجید میفرماید و تری الارض هامة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت وربت و انبتت من کل زوج بهیج، میفرماید چون نظر بکره خاک در زمان خزان نمائی ملاحظه کنی توده خاک سیاهی و تراب غمناکی بود نه گلی نه سنبل نه ریحانی نه ضیمرانی نه نسیرینی نه یاسمینی نه سبزی نه خرمی نه طراوتی نه لطافتی دلبران بوستانرا نه صباحتی نه ملاحظتی چون ابر آزاری و سحاب آزی بیبارد و باران رحمت یزدان بریزد و فیض آسمانی برسد و غمام بگرید چمن بخندد و دشت و صحرا زنده گردد گل و سنبل پرده براندازد اوراد و ازهار بروید صحرا و دمن گلین و گلشن گردد سرو ببالد قمری بنالک بلبل زاری نماید سنبل گلعداری کند یعنی چون بنظر دقیق نظر کنی حقایق انسانی و کینونات بشریه پیش از یوم ظهور که فصل خزان ظلمت و احزان است خاک سیاه و تراب بی گیاه را ماند که مرده و پژمرده و افسرده است چون یوم ظهور گردد و شعله نور بر افروزد و لبعه طور چون مصباح هدی در مشکات کاینات بسوزد ابر رحمت یزدان برخیزد و باران موهبت رحمن در و کهر ریزد فیض قدیم مبذول گردد بقعه مبارکه نفوس زکیه سبز و خرم شود گلهای عرفان بروید و سنبل و ریحان ایقان برقع برافکند سلطان ورد بر سریر سلطنت جالس شود سرو جویدار عنایت بطراوت بیمثال بخرامد و انواع کلهای و ریاحین های کمالات در حقیقت انسان آشکار گردد شقایق حقایق جلوه نماید و تسرین یقین بشکفد و ضیمران اطمینان پرده بدرد و کینونات مقدسه از این فیض شدید و فضل عظیم خلعت بپوشد و بصفات مقدسه رحمانیه در عرضه وجود مشهود گردد فطوبی للفائزین و بشری للواصلین والحمد لله رب العالمین ع " انتهی

مثال دیگر: این لوح مبارک که از میان ده ها لوح هم مضمون انتخاب شده است گویای همین حقیقت است:

هوالبهی ای آشفته جمال رحمن در این بهار دلنشین که کوه و دشت و صحرا مشکین و عنبرین گشته جهدی نما که چون شکوفه شکفته گردی و چون سنبل آشفته شوی چون گل پرده براندازی و چون بلبل نغمه و آواز آغان نمائی چون نسیم ربیعی جان بخشی و چون ابر نیسانی فیضان کنی چون سحاب بگریی و چون برق بزند و چون سیل بهاری اراضی یابسه را سیراب فرمائی چون چمن

بیاراتی و چون دمن بروئی و چون گلشن مزین کردی و چون جنت عدن به سرو و سمن و بنفشه و نسترن و سنبل و یاسمن زیب و زیور یابی و البهاء علیک ع ع

آثار مبارکه گاه بمرتبه بدیعیه میرسد.

آثار حضرت عبدالبهاء گاه جامع همه صنایع بدیعی میشود و آنها را میتوان از مقوله "بدیعیات" محسوب داشت. چون بسیاری از یاران لوح مبارک ذیل را که هنگام اقامت در آمریکا از قلم حضرت مولی الوری بافتخار جناب حاج میرزا حیدر علی صادر شده و در مجله نجم باختر سنه ۱۹۱۳ میلادی مجلد چهارم شماره هفتم آمده احتمالاً زیارت نفرموده اند سخن را باحسن وجه با نقل کامل آن خاتمه می دهیم و توجه یاران را به جامعیت هنری این لوح (هر چه خوبان همه دارند تو تنها داری) معطوف می کنم. این است متن: لوح مبارک
حیفا حضرت حیدر قبل علی علیه بهاء الله الابهی

هو الله ای سیم و شریک عبدالبهاء در عبودیت آستان بهاء
شب است در کلیفورنیا در شهر اوکلند خانه امه الله مسیس هنن گودال
لانه و آشیانه این مرغان آواره است و ضیافت نوزده روزه است جمعی از یاران
باوفا و ورقات طیبه نوره انجمن تضرع بملکوت ابهی و جمیع نعماء حاضر و مهیا
و سفره بی نهایت مهنا ای جای تو خالی ای جای تو خالی و آهنگ بدیعی در تبتل
میزند و بگلبانگ جدید درس مقامات معنوی میگویند و در نهایت محبت و تضرعند
ای جای تو خالی ای جای تو خالی رویها بنور محبت الله روشن و خوبیها برانحه
جنت ابهی گلشن و دلها مانند گلزار و چمن ای جای تو خالی ای جای تو خالی
مجالس عظمی مرتب کنائس کبری مهیا و عبدالبهاء نعره زنان یابهاء الابهی ای
جای تو خالی ای جای تو خالی خطابهایی مفصل در مجامع یهود، اثبات حقیقت
مسیح موعود، ثبوت حضرت رسول مشهود، ای جای تو خالی ای جای تو خالی
براهین قاطعه قائم و حجج لامعه ظاهر و جمیع ساکت و صامت و سرور کل را
حاصل ای جای تو خالی ای جای تو خالی در کنائس مسیحیان قوت و عظمت
حضرت رسول نمایان و ظهور حضرت اعلی ساطع البرهان و طلوع شمس حقیقت
درخشنده و تابان ای جای تو خالی ای جای تو خالی گوشها متلذذ از آن الحان،
کل مستمعین مبهور و حیران، چشمها خیره خیره نگران، ای جای تو خالی ای
جای تو خالی جام محبت الله سرشار محفل یاران پرانوار قلوب کاشف اسرار ای
جای تو خالی ای جای تو خالی مستر راستن حاضر عبدالبهاء ناطق میرزا احمد
سهراب کاتب و جمالقدم حاضر و ناظر ای جای تو خالی ای جای تو خالی یاران
جمعد و دوستان شمعند و بالبصر و سمعد ای جای تو خالی ای جای تو خالی
پرتو آفتاب حقیقت درخشنده و شجره مبارکه سایه افکنده و نسیم گلشن ابهی
حیات بخشنده ای جای تو خالی ای جای تو خالی دیروز در پرزیدنت هتل در
قصر امه الله مسیس هرست بودیم قصری است بی نهایت عالی گلهای سفید مانند
لنالی اوراد حمراء بمتابیه یا قوت رمانی بنفشه سرمست و افتاده گلهای کوکب مانند
ستاره درخشنده شب بوی معطر و مشکبوی سلطان گل افسر بر سر نهاده و باغ و

راغ آراسته ای جای تو خالی ای جای تو خالی ابرها گریان گلها خندان درختان
 بارور و چمنها سبز و خرم نسیم در نهایت لطافت منظر در غایت حلاوت ای جای
 تو خالی ای جای تو خالی ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار فتنه در آفاق
 نیست جز خم ابروی دوست ای جای تو خالی ای جای تو خالی مضامین بسیار
 وقایع بی شمار اسرار آشکار ولی یاران فرصت ندهند مهلت نبخشند تعجیل دارند
 منتظر خطابند و مترصد جوایند همه است دمدمه است غلغله است و زمزمه
 مجبور بر اختصارم بتعجیل مینگارم ای جای تو خالی ای جای تو خالی مختصر
 اینست که در فکر مراجعتم شب و روز در زحمتم دقیقه ای آرام ندارم یا القاء
 خطابه است یا تحریر کتاب است یا ادای جواب است یا طی صحراست یا قطع
 دریاست یا عبور از کوه پرشکوه است جسم تحمل ننماید استخوان آب گردد ای
 جای تو خالی ای جای تو خالی از عکسها که میرسد شمایل خبر می دهد که
 خستگی و ماندگی بچه درجه است ای جای تو خالی ای جای تو خالی امیدم چنان
 است که عنقریب عودت بآن سامان است دل را آرزوی آستان است جان را اشتیاق
 روی یاران است ای جای تو خالی ای جای تو خالی خلاصه سفر بانتهای رسید و
 صبح عودت دمید زیرا بسواحل اقیانوس پاسفیک رسید بعد از این جزائر
 هونولولو و کشور چین و ژاپانست مسافت بعیده است قوت و قدرت بانتهای رسیده
 است دیگر باید توجه بمرکز شمس حقیقت نمود و به بقعه مبارکه شتاب کرد تا
 روی بخاک آستان نهم و موی معنبر و معطر گردانم الحمدلله جمعیم و در انجمن
 مانند شمعییم و با یکدیگر در نهایت الفتیم محبت اندر محبت است شب و روز
 مؤانست است یاران که همراهند همدم و همرازند هم آغوشند و هم آواز و شب و
 روز بذکر جمال مبارک مألوف و دمساز ای جای تو خالی ای جای تو خالی جمیع
 یاران الهی را تحیت ابدع ابهی برسان ای جای تو خالی ای جای تو خالی و علیک
 البهاء الابهی

پایان

ضمیمه شماره (۱)

شواهد موارد جناس در آثار مبارک جناس تام: در وطن خویش قدم پیش نهادند و از بیگانه و خویش آزاد گشتند.

جناس مطرف: بعنایت و الطاف ملیک وجود سر به سجود نهادند.
جناس زائد: تراب خوش مشامش در شام است.
جناس مصحف: از جام ظهور سرمست شد و پرتو ظهور مکلم طور مشاهده نمود.

مثال دیگر همین نوع جناس که خطی هم نامیده شده: این شهریاری جهان سراب بقیع است بلکه سم نقیع.
جناس مذیل: پیمانه پیمان بدست گیر و از خمخانه عهد الهی دوستان را سرمست کن.

جناس لاحق: بیت خاکی عاقبت مطمور گردد و کاخ یزدانی سرمدی معمور شود قصور قبور گردد و مینوی شهریاران ویران گردد.
جناس ناقص یا محرف: تکلیف هر نفسی از اجبای الهی اینست که شب و روز آرام نگیرد و نفسی بر نیارد و جز بفکر نشر نفحات الله.
جناس لفظی: صلح و صلاح بخش و از سیف و سلاح بیزار نما.
جناس قلب: به صنعت قلب یا مقلوب رجوع شود.

فهرست گزیده آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱ - رساله مدنیه بامر حضرت بهاء الله در ۱۲۹۲ ه. ق. تحریر و در بمبئی در ۱۳۱۰ نشر شد.
- ۲ - رساله سیاسیہ پس از صعود جمال قدم نوشته شد (ظاهراً ۱۳۱۱ ه. ق.)
- ۳ - مقاله شخص سیاح سنه ۱۳۰۳ ق - نشر ترجمه ادوارد براون: ۱۸۹۱
- ۴ - تفسیر بسم الله - در زمان حیات جمال مبارک در قصر بهجی بنظر مبارک رسید.
- ۵ - لوح هزار بیتی سنه ۱۳۱۴ ه. ق. درباره وقایع نقض خطاب بجناب ابوالفضائل در جواب او.
- ۶ - لوح هزار بیتی سنه ۱۳۱۵ خطاب به جلیل خوئی.
- ۷ - مجموعه الواح عمومیہ حضرت عبدالبهاء: مکاتیب عبدالبهاء در سه جلد طبع مصر ۲۱-۱۹۱۲.
- ۸ - مجلدات بعدی مکاتیب نشر ایران به سالهای شمسی (۱۳۴۳) - (۱۳۴۴) (۱۳۴۵) (۱۳۴۶) - (۱۳۴۷)
- ۹ - النور الابهی فی مفاوضات حضرت عبدالبهاء - متن فارسی و ترجمه انگلیسی آن در لندن ۱۹۰۸
- ۱۰ - خطابات حضرت عبدالبهاء در سه مجلد - طبع جدید آلمان ۱۹۸۴
- ۱۱ - مناجات ها سه جلد طبع طهران - عربی - فارسی و ترکی.
- ۱۲ - تذکره الوفا (بیان احوال و صفات بارزه هفتاد تن از یاران متصاعد الی الله) - در حدود ۱۹۱۵ - نشر در حیفا ۱۹۲۴ - ترجمه مرضیه کیل ۱۹۷۱
- ۱۳ - اذکار المقربین جلد ۲.
- ۱۴ - در زبان انگلیسی خطابات پاریس (لندن ۱۹۲۳) عبدالبهاء در لندن و Promulgation Of Universal Peace در دو جلد (۵ - ۱۹۲۲) شامل خطابات مبارکه در آمریکا.
- ۱۵ - بیانات شفاهی مبارک در دو جلد بدایع الآثار محمود زرقانی طبع بمبئی ۱۹۲۱-۱۹۱۴.
- ۱۶ - الواح مبارکه وصایا (منشور نظم بدیع حضرة بهاء الله) طی ۱۹۰۸ - ۱۹۱۰.
- ۱۸ - منشور تبلیغ یا فرامین ملکوتی (۱۴ لوح) صادره در ۱۹۱۷ - ۱۹۱۶.
- ۱۹ - مائده آسمانی تألیف جناب اشراق خاوری ۲ - ۵ - ۹ - (طبع جدید - ۱۹۸۸ ه. ق.)
- ۲۰ - منتخبات مکاتیب حضرت عبدالبهاء دو جلد نشر ارض اقدس ۱ - ۱۹۷۴ - ۲ - ۱۹۸۴.
- ۲۱ - بخش هائی از ۴ جلد "امر و خلق" تألیف جناب فاضل مازندرانی - طبع جدید در آلمان (۱۹۸۶)
- ۲۲ - الواح و بیانات مبارک مندرج در نجم باختر ۱۴ جلد (۱۹۱۰ - ۱۹۲۶).
- ۲۳ - بخش اعظم پیام ملکوت تألیف جناب عبدالحمید اشراق خاوری - طبع جدید - هندوستان ۱۹۸۵